

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۷ نومبر ۲۰۲۰

## ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان توفان الکترونیک بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریر نشریه توفان الکترونیک ستونی برای این امر اختصاص می دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به این که بتوانیم از اینطریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

\*\*\*\*\*

### فلسفه مارکسیم

فلسفه مارکسیسم عالی ترین شکل تکامل فلسفه است که بر اثر مبارزه طولانی جهانی بینی های متضاد شکل گرفته است و در پیدایش آن نه تنها مکاتب مختلف ماتریالیسم، که مکاتب مختلف ایدئالیسم نیز نقش خود را ایفاء کرده اند. فلسفه مارکسیسم وارث همه دست آوردهای مثبت و مترقی فلسفه طی هزاران سال تاریخ فلسفه است. گاه فلسفه مارکسیسم را مورد نکوهش قرار می دهند که گویا خود جهت خاصی دارد، تمام طبقات و اقشار اجتماعی را از یاد می برد و فقط طبقه کارگر را در مرکز دید خود قرار می دهد و دفاع بی چون و چرا از منافع و آرمان های طبقه کارگر را بر عهده می گیرد. آری، فلسفه مارکسیسم درست به همین جهت عالی ترین شکل تکامل فلسفه است که فلسفه پرولتاریا، این انقلابی ترین و پیشروترین طبقه اجتماع کنونی است. این که مارکسیسم و فلسفه آن بر طبقه کارگر تکیه می زند، خود از بررسی دقیق و همه جانبه سرمایه داری برخاسته که آخرین شکل نظام استثماری است. این جامعه ناگزیر جای خود را به جامعه ای خواهد داد که در آن بتدریج طبقات رو به زوال خواهند رفت؛ جامعه ای بی طبقه، بری از استثمار و ستم ملی و طبقاتی بر سراسر گیتی مستقر خواهد گردید و راه را برای آزادی بیش از پیش انسان از قیود طبیعت و اجتماع خواهد گشود. استقرار چنین جامعه ای محصول خیالیافی نیست، بلکه از قانونمندی های حاکم بر جامعه سرمایه داری برمی خیزد، گریزی هم بر آن نیست. فلسفه پرولتاریا سرشار از خوش بینی و بشردوستی است و این یکی از خصوصیات این فلسفه است که آن را از فلسفه های دیگر متمایز می سازد. تکامل پرولتاریا مبارزه طبقاتی او در جهت تکامل جامعه، در جهت نیل به جامعه به مرحله عالی تر است. مارکسیسم فلسفه پرولتاریاست برای آن که پرولتاریا آینده بشریت است، آینده ای درخشان و تابناک. پرولتاریا رکن اساسی استقرار جامعه فارغ از کلیه مفاسد و پلیدی هاست. آیا مارکسیسم حق ندارد برای رسیدن به چنین آینده ای پرولتاریا را در مرکز دید خود قرار دهد؟

فلسفه مارکسیسم خصلت طبقاتی خود را نمی‌پوشاند، با صراحت جنبه طبقاتی خود را اعلام می‌دارد و با پیگیری آن را دنبال می‌کند. اصولاً فلسفه یکی از اشکال شعور اجتماعی است که جنبه طبقاتی دارد و عمیقاً با منافع و اهداف طبقاتی در پیوند است. فلسفه پرولتاریا و دفاع پیگیر از آن در راستای تکامل و پیشرفت جامعه است و در نهایت به معنای آزادکردن توده‌های زحمتکش و بشریت مترقی از نیروهای اهریمنی طبیعت و اجتماع است. بورژوازی در عین حال با ایدئولوژی طبقه کارگر به مقابله برمی‌خیزد و این کار را با دست ایدئولوگ‌های خود، با دست روشنفکرانی، که به خدمت او درمی‌آیند، انجام می‌دهد. طبقاتی‌بودن ایدئولوژی آنچنان آشکار و هویداست که هر کس آن را به چشم می‌بیند. و این اولین خصوصیت فلسفه مارکسیست است که خصلت طبقاتی دارد.

• ادامه دارد